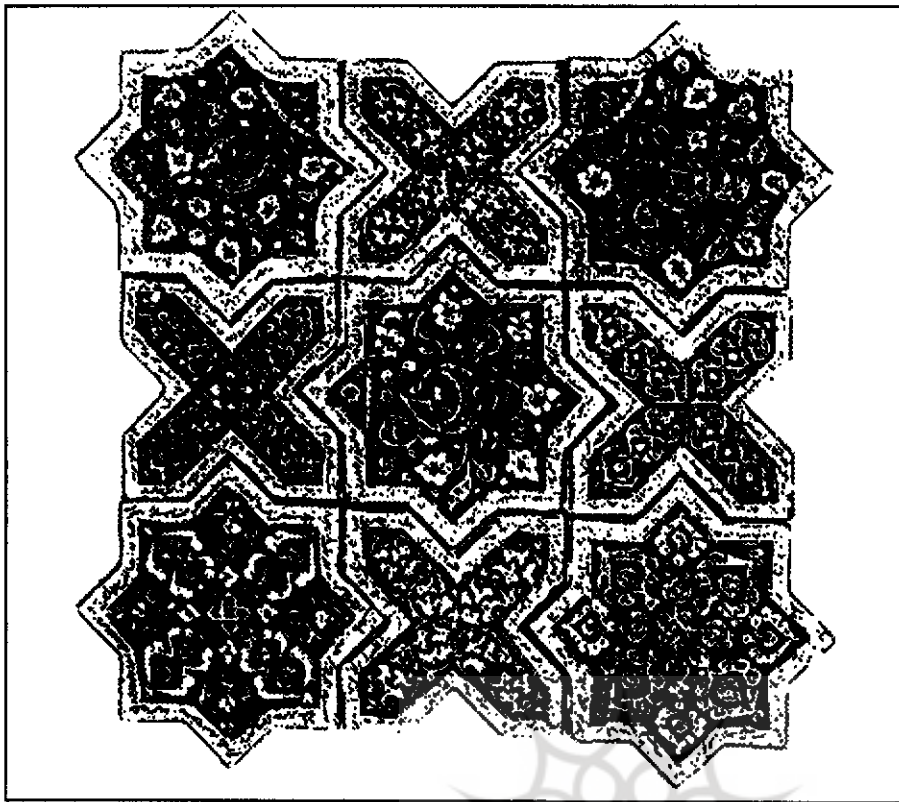

جایگاه و موقعیت نجوم در نقش و نگار عربی

■ دکتر امیر پارسا

این دو نیمه، یک ستاره شش ضلعی به وجود می‌آید و این چنین است که می‌بینیم، تخم مرغ حیات، متحول گردیده و به صورت ستاره ای درمی‌آید که از تداخل آسمان و زمین، برای تشکیل حیات و به عنوان رمزی برای وجود واحد تشکیل شده است. این ستاره از شش برگ یا شش برگ درست شده و همانند یک گل شش ضلعی است. با این مفهوم، ستاره 'شش ضلعی در نزد اعراب و مسلمانان شناخته گردید و در نقش و نگار هندسی عربی به کار گرفته شد. اما ستاره 'داود یا مهر سلیمان به مرور زمان معانی دیگری یافت، یهودیان که خودشان را مالک الرقاب کل جهان می‌دانند، به جهت اعتقادات صهیونیستی و برتری نژادی و همچنین به جهت خرافات که در تورات قرار داده اند، و به جهان مسیحیت نیز القا کرده اند تا آنان نیز تصدیق نمایند؛ ستاره 'شش پر، عبارت است از دو مثلث که روی هم قرار می‌گیرند، و ما معنای قدسی آن را آن طور که اعراب و مسلمانان فهمیده اند، بیان کردیم. اما یهودیان در مثلث اول، رمز وجود یهود را می‌بینند و در مثلث دوم که

ستاره در نقش و نگار عربی بر مقیاس دایره و با مشتق شدن از آن به دست می‌آید و دربرگیرنده معانی مختلفی است که از این دایره 'قدسی نشأت می‌گیرد. در این مورد ابوحیان توحیدی می‌گوید: صورت فلکی که ترسیم آن به صورت عرضی در خیال وجود دارد، از دو چیز گرفته شده، یکی امور بسیط، که هیچ گونه ترکیبی در آن راه ندارد، و دیگری امر مرکبی که البته از ترکیب خالی نیست. به جهت تعدد ستارگان، آنها دارای معانی مختلفی هستند، مثلاً طریقه شکل گیری آنها، به صورت ستاره به این جهت است که رئوس آنها از نه تا به پنج تا متفاوت، یا مثلاً شکل هلال ماه ممکن است همانند خورشید باشد و این امر رمزی برای هستی یا نیروهایی است که ماوراء خورشید قرار دارند، یا به عنوان تخم مرغ زندگی به شمار می‌رود، در عقاید قدیمی، هستی عبارت بود از یک تخم مرغ که نیمه 'بالای آن بیانگر آسمان و نیمه 'پایین آن بیانگر زمین بود. 'شکل نیمه' تخم مرغ دچار تغییر و تحول می‌گردد و به صورت مثلثی درمی‌آید که همان رمز انسجام کامل و توازن است. و از تطبیق



● دایره در نزد مسیحیان معنایی جادویی دارد ولی مسلمانان و اعراب، صفر را به جهت نقشی که در اعداد ریاضی ایفاء می کند به صورت دایره درآوردند. به دلیل اهمیتی که ستاره در نزد اعراب و مسلمانان داشت، به عنوان یک عنصر اساسی در نقش و نگار هندسی عربی درآمده به شکل ستاره پنج ضلعی، شش ضلعی یا هشت ضلعی و بیشتر نمایان گردید، علاوه بر آن پرگار نیز در رسم دایره و تقسیم آن به قوسهای مساوی کمک فراوانی نمود.

به صورت وارونه قرار دارد، معتقدند که وجود انسانهای دیگر نهفته است و مقهور و مغلوب مثلث یهود است. و به این ترتیب مفهوم یهود در مورد ستاره 'داود و سیطره' جهانی یهود، تعبیر می گردد. قابل توضیح اینکه رأس هر یک از دو مثلث، بیانگر عقل در دو وجود یهودی و جهانی است، اما عقل یهودی برتری دارد، و عقل جهانی مقهور و مغلوب است. اما قاعده دو مثلث یکی بیانگر ماده و دیگری بیانگر انرژی است، و عقل یهودی، این حق را دارد که ماده و انرژی وجود انسانی را به بند بکشد. تمام این خرافات بیانگر آن است که عقل آدمی در مقایسه با عقل صهیونیستی سبکتر و خفیفتر است.

به هر حال با کم و زیاد کردن تعداد فرعهای این ستاره شش بر، پنج فرع یا یک ستاره 'پنج ضلعی درست می شود که از نظر فیثاغورث، این ستاره، در واقع حامل رمز انسان یا جسم انسان کامل است.

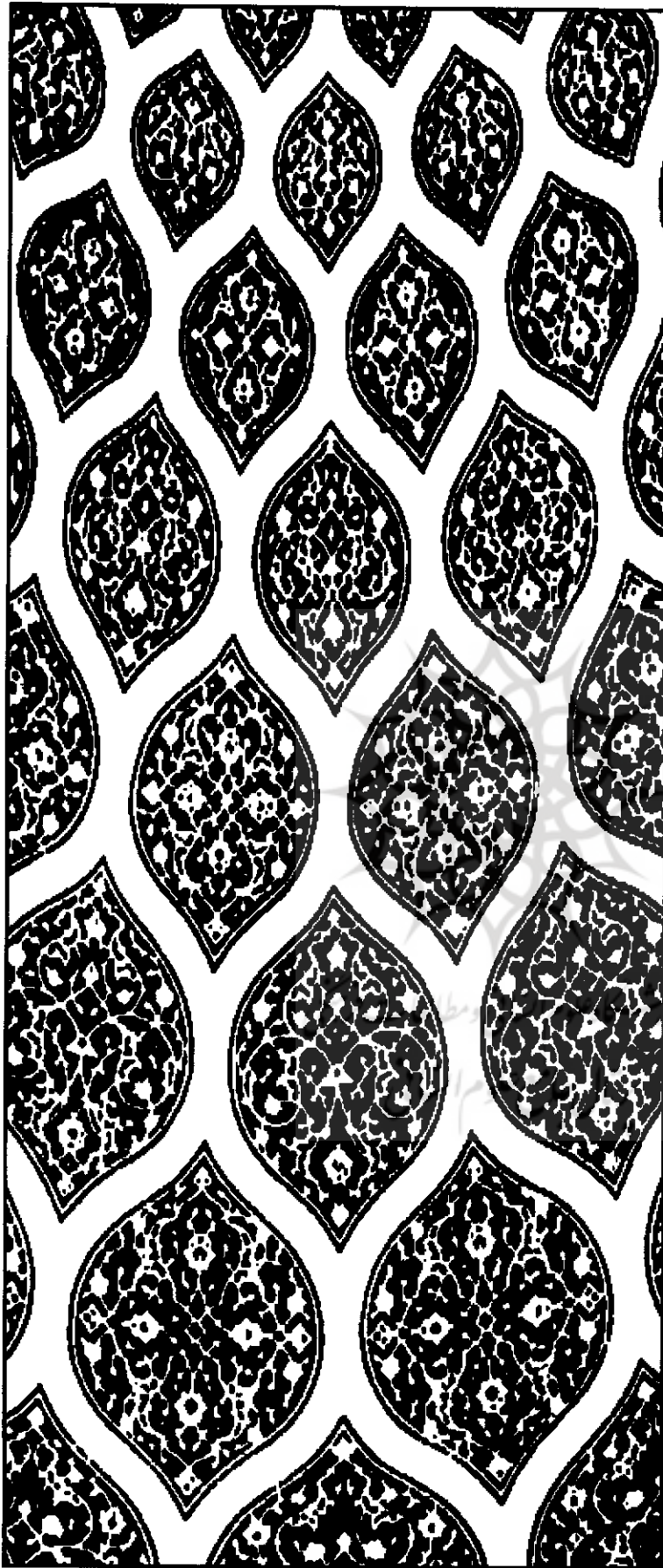
لئونارد و داوینچی درصد برآمده تا دایره ای رسم نماید که در رئوس چهارگانه آن با یکدیگر تلاقی کنند، اما رمز آن، رأس هرم است. ستاره پنج ضلعی بیانگر انسان

کامل در فلسفه یونانی است و این انسان به عنوان محور وجود و قطب عالم است. در فلسفه عربی اسلامی، این تعبیر در مورد ستاره شش ضلعی صورت می گیرد و از ترکیب دو مثلث متداخل در یکدیگر به دست می آید. در دوره های مختلف اسلامی، ستاره هشت ضلعی نیز به وجود آمد، که در کنار ستاره شش ضلعی و پنج ضلعی قرار گرفت. باید اضافه نمود که این گونه ستاره ها معمولاً در نقش و نگار هندسی عربی به کار گرفته شده است.

ستاره هشت ضلعی از دو مربع متداخل در یکدیگر تشکیل شده است. یک مربع، تعبیری از قوای چهارگانه طبیعت به شمار می رود، ضلع فوقانی نمایانگر هوا، ضلع پایین خاک، ضلع سمت راست نمایانگر آب، و سمت چپ نشان دهنده 'آتش است. مربع دوم تعبیری از جهات چهارگانه شرق و غرب، شمال و جنوب است، و متداخل این دو مربع در یکدیگر یعنی اینکه قوای خداوند بالاتر از قوای طبیعت است و در تمام انحاء وجود منتشر است. چنان که می فرماید: ولله المشرق والمغرب، فاینما، تولوا فثم وجه الله ان الله واسع عليم. یا

در جای دیگر می فرماید: وقالوا اتَّخَذَاللَّهِ
ولداً، سبحانه، بل له ما فى السموات
والارض كل له قانتون.

مقدس بون عدد هفت، از جهتی به تفکر
یونانی منتقل گردید، از طرفی دیگر در
بعضی از فرق اسلامی نیز مورد تقدیس
قرار گرفته است، و در نهایت به صورت یک
ستاره هفت ضلعی درآمد که در فلسفه نو
افلاطونی رشد نمود که حامل تفکرات و
اعتقادات فرقه کنوسیکها نیز بود. اضلاع
این ستاره هفت ضلعی، هرکدام به یکی از
تجلیات وجود تعبیر می شود که عبارتند
از: خداوند، عقل، نفس، ماده، فضا، زمان،
زمین و انسان. اصل تصویر ستاره بر روی
دایره استوار می گردد و از اینجاست که
رسم بیکارین، یا پرگار اساس و پایه نجوم
قرار می گیرد. و تعبیرش این است که تمام
ستارگان از وجود او که خدای بزرگ است،
و به صورت رمزی دایره ای شکل کشیده
شد، سرچشمه می گیرند. این دایره به
ستارگان احاطه دارد و مرکز وجود
ستارگان به شمار می رود. دایره در نزد
مسیحیان معنایی جادویی دارد ولی
مسلمانان و اعراب، صفر را به جهت نقشی
که در اعداد ریاضی ایفاء می کند به صورت
دایره درآوردند. به دلیل اهمیتی که ستاره
در نزد اعراب و مسلمانان داشت، به عنوان
یک عنصر اساسی در نقش و نگار هندسی
عربی درآمد به شکل ستاره پنج ضلعی،
شش ضلعی یا هشت ضلعی و بیشتر
نماین گردید، علاوه بر آن پرگار نیز در
رسم دایره و تقسیم آن به قوسهای مساوی
کمک فراوانی نمود. به دنبال آن از پرگار در
تولید اشکال جزئی و فرعی متداخل،
به نحوی که دارای معانی قدسی و فلسفی
و هنری بود، مورد استفاده قرار گرفت، در
این تار و پودها که در یکدیگر ادغام
شده اند، هرکدام از اینها دارای تعبیر
فشرده ای از تفکرات غیبی انسانی مشاهده
می گردد که قدرت درک آن را جز خداوند،
کسی ندارد، و فقط از ترکیب و هماهنگی
خاصی به دست می آید. هنگامی که این تار
و پودها، صورت هندسی به خود می گیرد
و به شکل سنگهای رنگی یا چوبی و صدفی



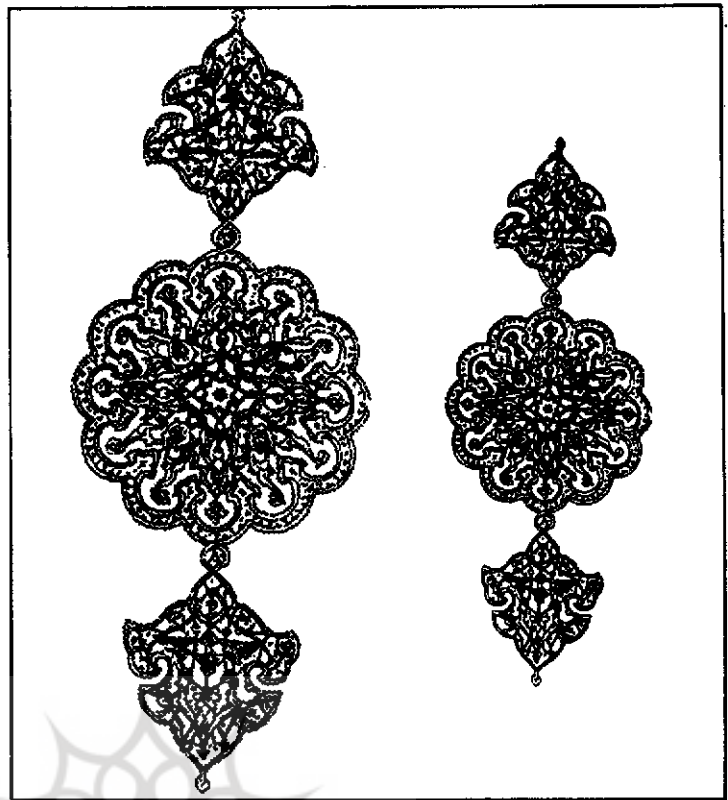
بلکه در حقیقت بیانگر تمام کائنات است اعم از زنده و غیرزنده، و با اشکال جوهری متفاوت و نه با اشکال نسبی، و در اینجاست که معنی تجرید و انتزاع عربی متجلی می‌گردد. و این چیزی است که هنر عربی بدون آن نمی‌تواند تحقق پیدا کند. نقش و نگار عربی خالی از مضمون نیست، اما این مضمون مطلقاً مجرد است و می‌توان بر آن برهان اقامه نمود، حتی اگر به قوانین علمی استناد نماییم.

این پدیده هنری جالب، که بیشتر انسانها اعم از عرب و عجم را در طول تاریخ فریفته خود کرده است، این نقش و نگار، صرف سیاه کردن یک سطح نیست، بلکه بیانگر ملکوت خداوند است و در آن واحد یک نشانه دینی و یک نشانه هنری است و آنچه که ما در تمثیل می‌بینیم در واقع تعبیری است از نوعی عبادت، اما این عبادت ابتکاری است.

خلاقیتها و مهارتهای هنرمند در مظاهر خلّاق سه گانه یعنی، شعر، خط و نقش خود را نمایان می‌سازد، و ما در کتاب مصور پرس داوین که در آغاز این قرن آن را به تصویر کشیده، می‌توانیم در یک نگاه، آثار هنری موجود در نقش عرب، مهارت و برجستگی و خلاقیت آنان را بشناسیم، به طوری که اهمیت آن را نمی‌توان انکار نمود و از آن به راحتی گذشت.

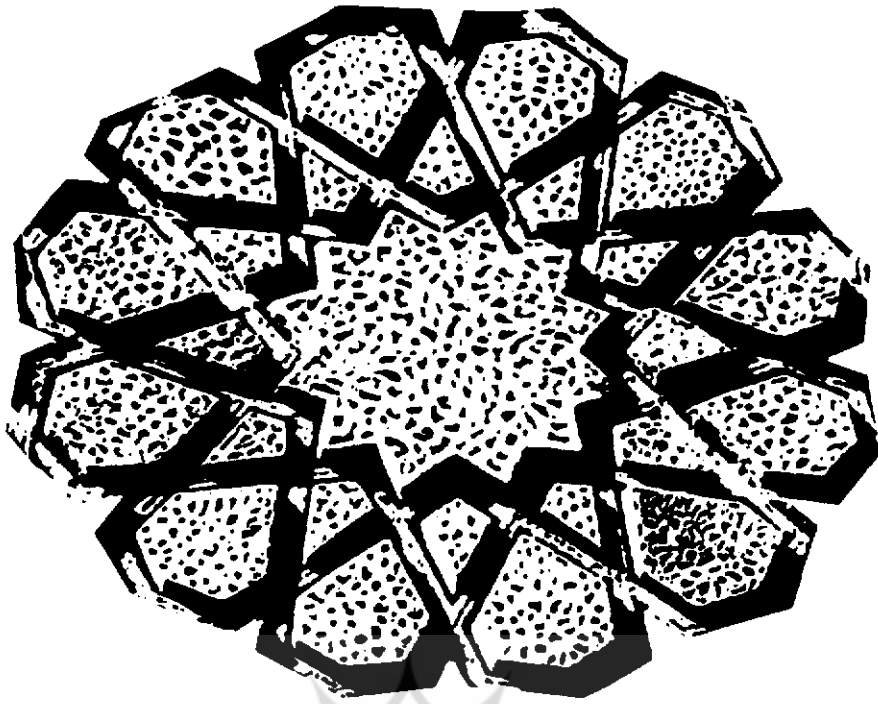
اشکال مطلق جوهر که ما آن را بصورت شبکه‌ای کاملاً دقیق و منظم می‌بینیم در واقع قدرت مطلقه‌ای است که هیچ‌گونه حدّ و مرزی ندارد، و آن قدرت خدای تعالی است که در تار و پود این ستاره به صورتی نمایان گشته است، چنانکه می‌فرماید: *وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ*، فاینما تولوا، *فَنَّمَّ وَجَهَ اللّٰهِ* بقره ۱۱۵

این اشکال که نور الهی بر آن می‌تابد و جوهر آن نمایان می‌گردد، همان وجود عرضی است که در ترکیب هیولای اول، خودش را نشان می‌دهد و در اینجا مفهوم معنوی هنر متجلی می‌گردد، در حالت اول، نور و اشعه الهی در تارهای نقش و نگار خود را نمایان کرده و از عددی صابر



یا سفالی درمی‌آید، هر کدام از اینها معانی و مفاهیم متفاوتی پیدا می‌کند، و به صورت مثلث یا لوزی و یا مربع، اشکال یک اندازه، یا حلزونی شکل، و یا چند ضلعی، با یکدیگر هماهنگ شده و یک پدیده بسیار جالبی را به وجود می‌آورد، که دربرگیرنده رنگهای جادویی و هماهنگ است. این تنظیم نقش شکل هندسی به خود می‌گیرد، این مفاهیم دایره و ستاره و اشکال اولیه هندسه مثل مثلث، مربع و چند ضلعی، این اشکال فی‌نفسه ترکیب ریاضی ندارند، بلکه اشکال انتزاعی هستند، و به گفته آقای سیزان: تمام اشکال در نهایت به ترکیب هندسی رانده می‌شوند، یعنی استوانه، کره یا مکعب. اما هنرمند مسلمان، به حجمهای هندسی پناه نمی‌برد، برای اینکه هر حجم در واقع نوعی ظرف روح به شمار می‌رود و انسان عاجزتر از آن است که این ظرف را به وجود آورد، بلکه فقط به اصل سطح در وجود پناه برده و این اشکال هیچ‌گاه بدون رمز نیست، بلکه همان طور که تصوف به آن اشاره دارد، دارای معانی بزرگی است. نقش و نگار عربی نیز از مفاهیم و معانی خالی نیست،

● این پدیده هنری جالب، که بیشتر انسانها اعم از عرب و عجم را در طول تاریخ فریفته خود کرده است، این نقش و نگار، صرف سیاه کردن یک سطح نیست، بلکه بیانگر ملکوت خداوند است و در آن واحد یک نشانه دینی و یک نشانه هنری است و آنچه که ما در تمثیل می‌بینیم در واقع تعبیری است از نوعی عبادت، اما این عبادت ابتکاری است.



می شود که آغاز و نهایت آن قابل شمارش نیست، جوهر کائنات و اجزاء هستی با مساحت‌های هندسی، آشکار می شود که این فضا، برحسب ظروف مکانی این اشعه نورانی تشکیل می شود و هنگامی که این اشکال جوهری رنگهای مختلفی به خود می گیرد، خود را مشخص می نماید. و هنگامی که این رنگها به شکلهای اضافه می شود، معانی جدیدی به خود گرفته و قابل تفسیر خواهد بود، هرکدام از این بافتها تصویری هنری را دربرمی گیرد و در هر خط آن نغمه ای و در هر رنگ آن لحنی نهفته است. این آواها و نغمه ها، در یک حرکت منظم، طوری چیده می شوند که کسی براحتمی نمی تواند آن را بفهمد، مگر کسی که عالم به علم موسیقی و اسرار آن باشد. اما نقش ظرایف، در واقع اولین ترکیب در هنر عربی است که بر ابتکار و خلاقیت خوب هنرمند تاکید می ورزد که عبارت است از تفسیر گل و گیاه و ساقه که در واقع ارتباط محکمی بین انسان و طبیعت به شمار می رود. هرآنچه که در طبیعت وجود دارد از نقش جدا نیست و بالعکس. همان طور که عناصر نقش رموز

مشترکی بین این عناصر به شمار می رود، جهان گلها و گیاهان و طبیعت نیز جزئی از این هستی به شمار می آید. و بیشتر، آنچه که از خلال این ساقه ها و برگها، تجلی می کند، کلمات خداوند است که به صورت خطوط کوفی یا خطوط ظریف، نوشته شده و در واقع تاکید بر جبروت خداوند است که از خلال کلمات مقدس خود را نمایان می کند. نقش عربی در واقع ریاضت صوفیانه نیست، بلکه نوعی نقش انتزاعی دینی، منسجم با ایمان به خدای متعال است، و برتر از هرگونه نسبیّت و تعین و تشبیه است، و این نقش، قابل تفسیر مادی نیست، بلکه ترکیبی معنوی و روحانی است که با انسانیت انسان، همانند روح مرتبط است، این نقش با قوانین فیزیک و مقیاسهای انسانی مرتبط نیست، و در واقع امری است که متعلق به خداوند و مثل اعلی است. در مورد تعبیر آن می توان گفت که نوعی خواندن و رها کردن است. اما نقش عربی به حدّ درجه تقدیس نمی رسد و بدان مرتبه قابل تفسیر نیست.

● ستاره شش پر، عبارت است از دو مثلث که روی هم قرار می گیرند، و ما معنای قدسی آن را آن طور که اعراب و مسلمانان فهمیده اند، بیان کردیم. اما یهودیان در مثلث اول، رمز وجود یهود را می بینند و در مثلث دوم که به صورت وارونه قرار دارد، معتقدند که وجود انسانهای دیگر نهفته است و مقهور و مغلوب مثلث یهود است.